

نگاهی به شخصیت علمی - فرهنگی شهید مطهری

پدیدآورنده:

خلاصه:

کلمات کلیدی:

تاریخ درخشان و پرافتخار حوزه‌های علمیه شیعه همواره شاهد ظهور و بروز عالمان بزرگ و دانشمندان تلاشگری بوده که با همتی بلند و عزمی راسخ، مراتب علم و تقوی و معنویت را یکی پس از دیگری طی نموده و به درجات بالا نائل و به چراغ فروزانی تبدیل شده و انسانهای بسیاری را به سوی نور و هدایت و رستگاری رهنمون گردیده‌اند.

شهید آیت الله مرتضی مطهری یکی از شخصیت‌های برجسته و کم‌نظیر در تاریخ اسلام و یکی از دانشمندان اسلام شناس و محققان توانا به شمار می‌رود که با تلاش و مجاهدت فراوان توانست در تمامی رشته‌های معارف اسلامی، صاحب‌نظری ژرف اندیش و محقق دقیق و در پاره‌ای حوزه‌ها همچون فلسفه، فقه و اصول در قله اجتهاد قرار گیرد. وی با افکار و اندیشه‌های ناب و اصیل خود، آثار و نتایج بزرگی را در زمینه‌های گوناگون علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در میان حوزویان و دانشگاهیان بر جای گذارد. با مجهز ساختن خویش به علوم روز و نیز تحقیق درباره اسلام و تعالیم حیات بخش آن و فهم دقیق آن، در برابر انبوه تهاجمات و شبهات مختلف ایستادگی کرد و با منطق و استدلال به مبارزه با افکار الحادی، التقاطی و متحجرانه پرداخت و اسلام را بدور از هرگونه تحریف و بدعت و کژاندیشی معرفی کرد و بدینوسیله از خود نامی جاودانه و ماندگار در تاریخ باقی گذاشت.

به منظور آشنایی با شخصیت علمی و خدمات فرهنگی استاد مطهری، مراحل تحصیل، تدریس و فعالیتهای علمی و فرهنگی ایشان را در چند محور مورد توجه قرار می‌دهیم.

استعداد و نبوغ

یکی از ویژگیهای استاد مطهری که نقش مهمی در برجستگی و شخصیت علمی کم‌نظیر وی دارد، برخورداری از استعداد و نبوغ فوق‌العاده و قدرت فراگیری زیاد مطالب علمی است. وی درباره این ویژگی خود می‌گوید: «افراد از نظر استعداد و یاد گرفتن و فراگیری مطالب علمی بر دو گونه‌اند برخی در سنین جوانی از قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردارند و تا چند سال می‌توانند به شدت بیاموزند ولی وقتی به اصطلاح پایه سن می‌گذارند، دیگر گویی استعداد آنها خشک می‌شود و فقط به هر آنچه که تا آن موقع آموخته‌اند اکتفا می‌کنند و به اصطلاح از کیسه می‌خورند. عموم افراد و دانشمندان از این سنخ‌اند اما در مورد برخی مطلب طور دیگری است یعنی همیشه دارای قدرت فراگیری‌اند. من از این دسته‌ام. من امروز بیشتر از گذشته در خودم آمادگی برای آموختن احساس می‌کنم من امروز دلم می‌خواهد که دائماً مطالعه کنم و بیاموزم و تدریس کنم و بیاموزانم. یکی از تفضلات الهی این است که در حالی که بسیاری از دانشمندان اهل نظر هر چند سال یکبار در نظریات خود تجدید نظر می‌کنند و به اصطلاح تغییر رأی می‌دهند و گاه تا آخر عمر به چندین عقیده متناوب و متضاد گرایش پیدا می‌کنند، من از ابتدای جوانی تا حال، حتی يك سطر هم ننوشته‌ام که بعداً بینم غلط بوده است. بحمدالله هرچه از همان روزهای اول تا حالا نوشته‌ام و اندیشیده‌ام، هنوز بر همان عقیده‌ام.» (1)

استاد بزرگ او علامه طباطبایی این ویژگی را مورد تأکید قرار داده است: «مرحوم مغفور مطهری دانشمندی بود متفکر و محقق، دارای هوش سرشار و فکری روشن و ذهنی واقع بین.» (2)

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای نیز پس از بیان عوامل مؤثر در تکوین شخصیت آیت الله مطهری می‌افزاید «آن چیزی که همه این استفاده‌ها را برای آقای مطهری ممکن می‌کرد استعداد قوی این مرد بود. این مرد دارای استعداد فکری بسیار زیادی بود، یکی مغز بزرگ بود.» (3)

تحصیلات

استاد مطهری اولین گامهای علمی خود را با حضور در مکتب خانه نزد فردی به نام شیخ علی قلی آغاز کرد، به واسطه شور و اشتیاق فراوان به درس، صبح نخستین روز، در حالی که کتابی زیر بغل داشت قبل از سایر شاگردان به مکتب خانه رفت و منتظر ماند و در همین حال بر روی کتاب خود به خواب رفت. وی در مکتب خانه به یادگیری قرآن و خواندن و نوشتن پرداخت. در سن ده سالگی تحصیلات قدیم را شروع کرد و در محضر پدر خویش مقدمات را آغاز نمود و در سال 1313 ش در سن پانزده سالگی برای ادامه تحصیل به مشهد مقدس رفت و در مدرسه ابدال خان مقدمات علوم اسلامی را دنبال نمود.

به دنبال بسته شدن مدارس علمیه به دستور رضاخان و نیز در پی تخریب منزل پدریش در فریمان توسط عمال رضاخانی، مجبور به ترك حوزه علمیه مشهد و بازگشت به فریمان شد. در طول مدت اقامت دو ساله خود در فریمان، ایام خود را با مطالعه آثار تاریخی سپری می‌کرد که آثار فراوانی را در زندگی ایشان بر جای گذارد، «من هرچه مایه مطالعات تاریخی دارم، مربوط به همان دو سالی است که از مشهد به فریمان برگشتم.» (4)

استاد در سال 1315 به منظور تکمیل تحصیلات و بهره‌مندی از اساتید حوزه علمیه قم و نیز حضور در جوار حرم حضرت معصومه (ع) به قم

عزیمت کرد و در مدرسه فیضیه اقامت گزید و با شرکت در دروس اساتید بزرگوار قم، به کسب علم و معنویت پرداخت. وی در قم، کتاب مطول را نزد شهید آیت الله شیخ محمد صدوقی و شرح لمعه را نیز در محضر مرحوم آیت الله حاج آقا شهاب الدین نجفی مرعشی و کفایه را نیز نزد آیت الله محقق داماد تلمذ کرد و درس خارج فقه را با حضور در دروس حضرات آیات عظام حجت، صدر و خوانساری آغاز و سالها در درس خارج آقای حجت شرکت کرده و به دلیل تلاش و فعالیتهای علمی از ایشان جایزه دریافت نمود. یکی از اساتیدی که شهید مطهری بهره‌های علمی، روحی و معنوی بسیاری از او برد، امام خمینی (رض) بود ایشان به مدت 12 سال در درس امام شرکت کرد و یک دوره کامل درس خارج اصول را نزد ایشان فرا گرفت. این درس به درخواست خود استاد و یکی از دوستانش گفته شد و اولین دوره خارج اصول امام بود که به غیر از آن دو، حدود ده تن دیگر از فضلا در آن شرکت می‌کردند. امام خمینی شخصیتی الهی و روحانی بود که شهید مطهری گمشده خود را در وجود او یافت، «بعد از مهاجرت به قم، گمشده خویش را در شخصیتی دیگر یافتیم.» (5)

استاد همچنین در درس منظومه و عرفان امام شرکت می‌کرد و اسفار ملاصدرا را به همراه چند تن از فضلا به طور خصوصی از محضر امام آموخت.

مطهری از حضور خود در درس حکمت الهی در محضر امام خمینی چنین یاد کرده است. «آن ایام، تازه با حکمت الهی اسلامی آشنا شده بودم و آن را نزد استادی که... الهیات اسلامی را واقعاً چشیده و عمیق‌ترین اندیشه‌های آن را دریافته بود و با شیرین‌ترین بیان آنها را بازگو می‌کرد، می‌آموختم. لذت آن روزها و مخصوصاً بیانات عمیق و لطیف و شیرین استاد از خاطره‌های فراموش ناشدنی عمر من است.» (6) علاوه بر دروس فوق، درس اخلاق امام از جمله درس‌هایی بود که شهید مطهری را به شدت شیفته خود ساخته بود و با عشق و علاقه فراوان در آن شرکت می‌کرد و به کسب معنویت و ایمان می‌پرداخت.

استاد مطهری همچنین به مدت ده سال از محضر آیت الله بروجردی در درس خارج فقه و اصول بهره برد و به عنوان یکی از شاگردان میرز و ممتاز ایشان به شمار می‌رفت. شهید مطهری می‌گفت: «به روش فقاقت ایشان ایمان دارم و معتقدم که باید تعقیب و تکمیل شود.» (7) وی یکی از شاگردان مقید و دائمی درس آیت الله بروجردی و مورد توجه خاص ایشان بود به گونه‌ای که اگر روزی او در درس حاضر نمی‌شد استاد در میان خیل شاگردان غیبت او را حس می‌کرد. نقل است که روزی آیت الله بروجردی از گذر معروف «خان» برای تدریس به طرف صحن مطهر حضرت معصومه (س) می‌رفت، از دور ملاحظه کرد که آقای مطهری به طرف دیگری می‌رود، از اطرافیان سؤال کرد آقای مطهری کجا می‌رود الآن وقت درس است.» (8)

یکی از اساتید برجسته شهید مطهری در زمینه فلسفه و علوم عقلی، مرحوم علامه طباطبایی است. وی از سال 1323 یعنی در حالی که 25 سال از عمر خود را سپری کرده بود، به آموزش فلسفه روی آورد و این در حالی است که علاقه به علوم عقلی و اساتید این فن از سالهای قبل در او بوجود آمده بود و همواره به دنبال مطالعه و آشنایی با اینگونه آثار بود. وی می‌گوید: «تحصیل رسمی علوم عقلی را از سال 23 شمسی آغاز کردم. این میل را همیشه در خود احساس می‌کردم که با منطق و اندیشه مادیین از نزدیک آشنا گردم، آرا و عقاید آنها را در کتب خودشان بخوانم، دقیقاً یادم نیست. شاید در سال 25 بود که با برخی کتب مادیین که از طرف حزب توده ایران به زبان فارسی منتشر می‌شد و یا به زبان عربی در مصر مثلاً منتشر شده بود آشنا شدم. کتابهای دکتر تقی ارانی را هرچه می‌یافتیم به دقت می‌خواندم و چون در آن وقت به علت آشنا نبودن با اصطلاحات فلسفی جدید، فهم مطالب آنها بر من دشوار بود، مکرر می‌خواندم و یادداشت بر می‌داشتم و به کتب مختلف مراجعه می‌کردم، بعضی از کتابهای ارانی را آن قدر مکرر خوانده بودم که جمله‌ها در ذهنم نقش بسته بود...» (9)

آیت الله مطهری در سال 1329 در درس علامه طباطبایی حضور یافت و به فراگیری الهیات شفا پرداخت. در همان سالها، به اتفاق گروهی از فضلا در جلسات هفتگی شبهای پنجشنبه مرحوم علامه شرکت می‌کرد. این درس بعدها به صورت کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» درآمد و با مقدمه و پاورقی و توضیحات مفصل و ارزنده استاد مطهری انتشار یافت. در این جلسات روش کار بدین صورت بود که استاد مطهری، مقالات را از قبل آماده می‌کرد و در جلسه می‌خواند و توضیح می‌داد و به سؤالات پاسخ داده می‌شد و گاهی متن را تغییر داده و پرسشها و پاسخها را بر آن می‌افزود.

حضور استاد مطهری در درس علامه طباطبایی، حضور عالمانه، محققانه و بسیار مفید و سازنده بود علامه درباره هوش و فهم دقیق شهید مطهری چنین می‌گوید: «مخصوصاً مرحوم مطهری يك هوش فوق العاده داشت و حرف از او ضایع نمی‌شد، حرفی که می‌گفتیم می‌گرفت و به مغزش می‌رسید. علاوه بر مسأله تقوی و انسانیت و جهات دیگر اخلاقی که انصافاً داشت، يك هوش فراوانی هم داشت و هرچه می‌گفتیم، هدر نمی‌رفت، مطمئن بودم که هدر نمی‌رود. بنده وقتی که ایشان به درسم می‌آمدند، حالت رقص پیدا می‌کردم از شوق و شغف، به جهت اینکه انسان می‌داند هرچه می‌گوید، هدر نمی‌رود و محفوظ است.» (10)

پس از مدت پنج سال که از اقامت آیت الله مطهری در قم می‌گذشت، تقدیر روزگار بر این شد تا در تابستان 1320 به بهانه فرار از گرمای قم به اصفهان عزیمت نماید. این سفر، زمینه‌ای برای آشنایی با استاد یا عالم بزرگ میرزا علی آقا شیرازی و بهره مندی از منش و روش آن بزرگوار را فراهم نمود و بدینوسیله او را با عالم پهناور نهج البلاغه امیرالمؤمنین آشنا ساخت.

«تا آنکه در تابستان سال 1320، پس از پنج سال که در قم اقامت داشتم برای فرار از گرمای قم به اصفهان رفتم، تصادف کوچکی مرا با فردی آشنا با نهج البلاغه آشنا کرد. او دست مرا گرفت و اندکی وارد دنیای نهج البلاغه کرد. آن وقت بود که عمیقاً احساس کردم این کتاب را نمی‌شناختم و بعدها مکرر آرزو کردم که‌ای کاش کسی پیدا شود و مرا با دنیای قرآن نیز آشنا سازد. از آن پس چهره نهج البلاغه در نظرم عوض شد مورد علاقه‌ام قرار گرفت و محبوبم شد گویی کتاب دیگری است غیر آن کتابی که از دوران کودکی آن را می‌شناختم، احساس کردم که دنیای جدیدی را کشف کرده‌ام.» (11)

سنت حوزه‌های علمیه همواره بر این اساس بود که معمولاً طلاب و روحانیون در کنار تحصیل، به تدریس نیز اشتغال داشتند. استاد مطهری نیز در دوران اقامت، در قم، در کنار تحصیل، به تدریس نیز مشغول شد. ابتدا تدریس ادبیات را عهده دار شد و پس از آن کتابهای: شرح مطالع در علم منطق، شرح تجرید در علم کلام، شرح منظومه در فلسفه، رسائل، مکاسب و کفایه را تدریس نمود. استاد که دروس طلبگی خود را به شایستگی خوانده و فهمیده بود و از روحانیون ممتاز در حوزه به شمار می‌رفت و مراتب علمی بالایی بدست آورده بود. به زودی در شمار اساتید بنام حوزه قرار گرفت و حوزه درسش، زبانزد اهل علم شد.

وی پس از عزیمت به تهران نیز ارتباط خود را با طلاب و روحانیون حوزه علمیه قم قطع ننمود و با برگزاری کلاس درس، به تعلیم و تربیت آنها ادامه داد. و از سال 1351 تا 1357 هفته‌ای سه روز به قم می‌رفتند و دروس مهمی مانند فلسفه هگل، معارف قرآن، منظومه و اسفار را تدریس می‌کرد.

ایشان همچنین پس از اقامت در تهران، در مدرسه علمیه مروی به تدریس شرح منظومه، دانشنامه علایی و شفای ابن سینا پرداخت و حدود 20 سال در این مدرسه، به آموزش و تربیت طلاب و محققین علوم و فرهنگ اسلامی توفیق یافت.

استاد مطهری پشتکار عجیبی در تدریس داشت. یکی از شاگردان وی نقل می‌کند: «تنها استادی که در مدرسه مروی سراغ داشتم که قبل از اذان صبح به مدرسه می‌آمد و نماز صبح را در مدرسه می‌خواند، استاد مطهری بود. با وجود آنکه در خیابان آبشار منزل داشت از آنجا قبل از اذان صبح حرکت می‌کرد و می‌آمد و يك استکان چای می‌خورد و نماز صبح را ادا می‌کرد و می‌نشست، درسش را شروع می‌کرد و این درس همینطور شاید تا ساعت 8 یا 9 ادامه داشت.» (12)

آیت الله مطهری علاوه بر تدریس علوم رایج در حوزه‌های علمیه، از نظر فکری نیز تأثیرات فراوانی در میان روحانیون و حوزه‌های علمیه از خود بر جای گذارد، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای درباره نقش شهید مطهری در حوزه‌های علمیه چنین می‌گویند: «من آقای مطهری را به وجود آورنده يك جریان روشنفکرانه روحانی در حوزه‌های علمیه می‌دانم. شما در حوزه‌های علمیه، طلاب جوانی که شاگردان آقای مطهری بودند (چه با واسطه و چه بی‌واسطه) و بعدها هر کدام توانستند منشأ آثار فراوانی بشوند، زیاد می‌بینید. من باید مطلبی را که در مورد خودم به آقای مطهری گفتم در اینجا بیان کنم.

...به ایشان گفتم: من شاگرد شما هستم، تعجب کرد و گفت: شما پیش بنده درس نخوانده‌اید، حقیقتاً بنده پیش استاد مطهری درس نخوانده‌ام اما یکی از عناصری که بنیه اصلی فکری اسلامی من را پایه گذاری کرده است. سخنرانیهای بیست سال پیش آقای مطهری است.» (13)

مهاجرت به تهران

آیت الله مطهری با آنکه علاقه زیادی به حوزه علمیه قم داشت. اما در سال 1331 به تهران مهاجرت کرد که نقطه عطفی در زندگی ایشان به شمار می‌رود.

حضور استاد در دانشگاه را نباید محدود به تدریس چند واحد درسی نمود، بلکه دارای آثار و برکات بسیار دیگری بود همچون: تحقیق و پژوهش، ارائه کنفرانس‌های علمی، مسافرت‌های علمی، شرکت در سمینارها، گفت و گو با اساتید و شخصیت‌های علمی، ایراد سخنرانی در جمع اساتید، دانشگاهیان، معلمان و... شناخت نیازهای فکری دانشجویان و اساتید و جهت‌دهی به پایان نامه‌ها.

استاد با حضور در دانشگاه ضمن آشنایی نزدیک با عینیتهای و نیازهای جامعه مصمم شد تا برای نیازهای زمان و مشکلات فرهنگی و اجتماعی پاسخی مناسب بیابد و به انبوه سؤالاتی که نسل جوان با آن روبرو بود پاسخ دهد و قشر تحصیل کرده دانشگاهی را از انحرافات، شبهات دور کند تا مبدا در دام افکار الحادی و منحرف گرفتار شوند.

نحوه اشتغال استاد مطهری در دانشگاه بدین صورت است که در سال 1333، دانشکده الهیات آگهی استخدام يك نفر دانشیار را در رشته علوم معقول و منقول در روزنامه‌ها منتشر کرد، در پی انتشار این آگهی، آقای مطهری داوطلب استخدام شد و تقاضایی را برای دانشکده الهیات فرستاد.

وی پس از آن در امتحان کتبی شرکت کرد و با موفقیت آنرا پشت سرگذارد. آقای محمد تقی مطهری برادر استاد می‌گوید: «در روز امتحان شفاهی، میرزا احمدخان سعیدی، رئیس هیئت ممتحنه گفت: «مطهری امتحان کتبی را به این خوبی داده است، حال ببینیم آزمون شفاهی را چه می‌کند؟» مرحوم راشد، مدیر گروه فلسفه و حکمت اسلامی به استاد گفت: «آقای مطهری! ما دیگران را با بحث‌های خودمان امتحان می‌کنیم ولی شما را با يك بحث تفأل‌ی امتحان می‌کنیم.» کتاب امتحانی، منظومه ملاحادی سبزواری بود. تفأل‌ی کتاب را باز می‌کنند.

استاد مطلب را شروع می‌کند. بحث را از منظومه به اشارات می‌برد و از اشارات به اسفار. در این هنگام راشد رو به استاد می‌کند و می‌گوید: «صبر کن! ما از بیست بالاتر نداریم، این نمره بیست. حال، مطلب را دامه بده تا ما استفاده کنیم.» جلسه تعطیل می‌شود. استاد می‌شود شاگرد و شاگرد می‌شود استاد. استاد مطهری يك ساعت و نیم صحبت می‌کند و مطلب را به پایان می‌رساند. راشد می‌گوید: «واقعاً بهره بردم» این جمله را دوباره تأکید می‌کند.

ایام عید بود که استاد با من تماس گرفت و گفت: «بیا با هم به منزل راشد برویم» اتفاقاً، يك دانشجوی دانشکده حقوق هم آنجا بود. وی، از آقای راشد سؤالی کرد: آقای راشد، بی درنگ گفت: «استاد نشسته‌اند. دیگر جای من نیست.» استاد مطهری خودش را جمع کرد و گفت: «آقای راشد! من کجا و شما کجا؟» آقای راشد گفت: «بی تعارف می‌گویم: تو از من با سوادتری. می‌نمی‌دانستم این قدر باسوادی.» (14)

بدین ترتیب استاد مطهری از ابتدای حضور در دانشگاه نبوغ خود را نشان داد و خوش درخشید.

در تاریخ 2/7/34 صلاحیت علمی استاد در دانشگاه مورد تصویب قرار گرفت و ایشان از روز بیستم آبان تدریس در دانشکده الهیات را آغاز کرد. و در مدت حضور خود در دانشگاه، در دوره‌های لیسانس و دکترای دانشکده الهیات و معارف اسلامی، به تدریس دروس کلیات علوم اسلامی شامل

منطق، فلسفه، کلام، عرفان، اصول فقه، حکمت عملی، فلسفه مشتمل بر شرح منظومه و الهیات شفا، مقاصد الفلاسفه غزالی و نیز تاریخ فلسفه، سیر فلسفه اسلامی، تاریخ مجادلات اسلامی و روابط فلسفه و عرفان پرداخت.

استاد در تاریخ 12/9/50 به عنوان مدیر گروه فلسفه و حکمت اسلامی انتخاب شد. و در تاریخ 1/4/53 حکم استادی به ایشان ابلاغ شد، ایشان پس از سالها تلاش و فعالیت مستمر علمی و خدمات ارزنده خالصانه در محیط دانشگاه در تاریخ 19/6/56 بازنشسته شد.

حضور 23 ساله استاد مطهری در دانشگاه را باید یکی از درخشانترین دوران زندگی سراسر تلاش و خدمت وی دانست که با همتی بلند و عزمی راسخ توانست آثار، برکات و خدمات چشمگیری را در مجامع علمی و در میان دانشگاهیان از خود بر جای گذارد.

اگر استاد فرصتی را که برای تدریس و تحقیق در دانشکده الهیات صرف کرد، در حوزه علمیه قم به تحقیق و تدریس علوم اسلامی می‌پرداخت. بدون تردید در ردیف یکی از مراجع بزرگ و بنام تقلید قرار می‌گرفت و شاید می‌توانست تغییراتی و اصلاحاتی را نیز در سیستم آموزشی، تحقیقی و علمی حوزه به وجود آورد که همواره دغدغه او بود. امام خمینی در نامه‌ای که از نجف برای ایشان فرستادند نگرانی خود را از دور بودن استاد از حوزه علمیه قم ابراز داشتند. (15) و در چند نوبت از نجف به آقای پسندیده یا به آقای اشراقی دامادشان نامه نوشتند که «آقای مطهری را به قم بیاورید و نگهدارید، در قم بماند و به تدریس مشغول باشد.»

تالیفات و آثار

علامه مطهری از جمله محققان و متفکران اسلامی است که با تمام توان و با جدیت و پشتکار به دفاع از مبانی اسلام پرداخت و با درک دقیق شرایط و شناخت نیازهای زمان و آگاهی از شبهات، ابهامات و سؤالات نسل جوان، اقدام به پاسخگویی نمود. ایشان می‌گوید: «این بنده از حدود بیست سال پیش که قلم به دست گرفته مقاله یا کتاب نوشته‌ام، تنها چیزی که در همه نوشته‌هایم آن را هدف قرار داده‌ام، حل مشکلات و پاسخگویی به سؤالاتی است که در زمینه مسائل اسلامی در عصر ما مطرح است. نوشته‌های این بنده برخی فلسفی، برخی اجتماعی، برخی اخلاقی، برخی فقهی، برخی تاریخی است. با این حال موضوعات این نوشته‌ها کاملاً با یکدیگر مغایر است. هدف کلی از همه اینها یک چیز بوده و بس: «دین مقدس اسلام یک دین ناشناخته است. حقایق این دین تدریجاً در نظر مردم، واژگونه شده است، و علت اساسی گریز گروهی از مردم تعلیمات غلطی است که به این نام داده می‌شود... بدین سبب این بنده وظیفه خود دیده است که در حدود توانایی در این میدان انجام وظیفه نماید.» (16) استاد هدف فوق را سرلوحه تالیفات و آثار خویش قرار داد و بدین منظور در هر زمینه‌ای که احساس نیاز کرد که باید دست به قلم برد، وارد شد و کتابی را به نگارش درآورد. تنوع آثار آن متفکر بزرگ در فقه، اصول، فلسفه، کلام، تاریخ، قرآن، حقوق، اخلاق، و امور اجتماعی و سایر رشته‌ها که همگی از اتقان، انسجام، استحکام و جذابیت برخوردار است، نشانه عمق و گستره دریای دانش و عظمت و والایی اندیشه و تفکر ایشان است.

همین افتخار او را بس است که شخصیتی همچون امام خمینی که اسلام‌شناسی متفکر و عالم و مجتهدی بزرگ است، تمامی آثار او را مفید، خوب و انسان ساز بداند. (17)

از اینرو باید استاد مطهری را یکی از موفقترین نویسندگان و محققانی دانست که موفق شد با نسل امروز و جوانان ارتباط برقرار کند و اسلام ناب و راستین را به دور از هرگونه التقاط و انحراف و تحجر و کژاندیشی برای این نسل معرفی نماید و آنها را با اسلام آشنا و مأنوس کند.

بررسی مجموعه آثار و تالیفات آیت الله مطهری که قریب یکصد جلد می‌باشد، در این نوشتار مقدور نیست ولی به اجمال باید گفت که اولین مقاله استاد در سال 1332 در نشریه حکمت قم انتشار یافت.

اولین اثر استاد هم مقدمه و پاورقی بر جلد اول اصول فلسفه و روش رئالیسم است که در اسفند 1332 منتشر شد. متن کتاب نوشته مرحوم علامه طباطبایی است ولی با توجه به اختصار و دشواری فهم آن، از علامه تقاضای نوشتن شرحی بر آن شد، علامه این کار را بر عهده شهید مطهری واگذار کرد که خوشبختانه استاد به خوبی و شایستگی تمام آن را به انجام رساند و منتشر کرد. این کتاب نقش بسیار مؤثری در اثبات بی‌پایگی فلسفه مادی داشته است و از عمیق‌ترین و تحقیقی‌ترین آثار استاد مطهری به حساب می‌آید.

آثار فلسفی علامه مطهری متجاوز از 25 جلد می‌باشد

استاد مطهری علاوه بر تالیف و انتشار دهها جلد کتاب ارزشمند در موضوعات مختلف هرگاه مطلب غیر واقعی و مخالف مبانی اسلام در نشریه‌ای منتشر می‌شد در صورت امکان اقدام به پاسخگویی و رفع شبهه می‌نمود از جمله در سال 1345 ابراهیم مهدوی در مجله زن روز، مطالبی در مورد حجاب و زن نوشت استاد مطهری در سلسله مقالاتی در 33 قسمت به تبیین و تشریح حقوق زن در اسلام پرداخت که بعدها با عنوان «نظام حقوق زن در اسلام» منتشر شد.

فعالیت‌های فرهنگی دیگر

آیت الله مطهری به موازات تدریس و تالیف، با حضور در مجامع علمی و فرهنگی و ایراد سخنرانی، خدمات بزرگی را به اسلام و فرهنگ اسلامی نمود. گرچه سخنرانیهای استاد پس از ورود به تهران اولین سخنرانیهای ایشان به حساب نمی‌آید، ولی می‌توان آنرا سر فصل جدیدی در زندگی وی دانست.

سال 1334 اولین سالی بود که از استاد برای سخنرانی در انجمن‌های اسلامی دانشجویان دعوت به عمل آمد. در سالهای 1337 و 1338 که انجمن اسلامی پزشکان تشکیل شد، استاد از سخنرانان اصلی انجمن بود. به طوری که در سالهای 1340 تا 1350 آن بزرگوار تنها سخنران انجمن بود. وی در این جلسه مسایل فلسفی، فقهی و ایدئولوژیکی اسلام را در زمینه‌های اصول پنجگانه توحید، عدل، نوبت، امامت، معاد، مسأله زن از دیدگاه قرآن، مباحث اقتصاد اسلامی، بیمه و بانکداری در اسلام و مسأله بردگی را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد که بعدها در قالب کتاب منتشر شدند.

استاد چند سخنرانی در سلسله کنفرانسهای علمی درباره عرفان و حکمت حافظ در دانشکده الهیات و معارف اسلامی ایراد کرد که با عنوان عرفان حافظ به چاپ رسیده است.

به مرور سخنرانیهای استاد اوج گرفت و بیشتر دانشگاهها و مراکز علمی سراسر کشور را زیر پوشش خود قرار داد و استاد به عنوان خطیبی بلندآوازه، فیلسوفی صاحب نظر، اسلامشناسی متبحر و عالمی جامع در علوم منقول و معقول ظاهر شد و به تبلیغ دین و دفاع از اصول اسلام و هدایت جوانان پرداخت.

استاد مطهری همچنان که در تألیف و آثار خود دقتهای لازم و وقت کافی می‌گذاشت و مطالبی منسجم، متقن و محکم ارائه می‌داد، برای مطالعه سخنرانی‌های خود نیز وقت کافی در نظر می‌گرفت و با مطالعات جامع و لازم به مباحث خویش عمق و غنا می‌بخشید و مطالبی نو و بدیع ارائه می‌نمود. یکی از دوستان استاد مطهری نقل می‌کند که یک بار استاد مطهری را برای سخنرانی دعوت کردند و او با تواضع و صراحت تمام گفت: «آمادگی لازم جهت این سخنرانی نیافته‌ام، من برای هر سخنرانی، حداقل 20 ساعت مطالعه دارم.» (18)

این چنین بود که سخنرانی‌های شهید مطهری مورد استقبال گسترده مجامع علمی و فرهنگی شهرهای مختلف قرار گرفت و روز به روز بر دعوت از ایشان برای ایراد سخنرانی افزوده می‌شد.

بالآخره رژیم پهلوی، روشنگری‌ها و هدایت‌های آیت الله مطهری را تحمل نکرد و ساواک در سال 1354 ایشان را ممنوع المنبر نمود. ساواک در یکی از اسناد خود چنین آورده است: «نامبرده بالا یکی از روحانیون ناراحت و افراطی است که اکثراً در بالای منبر مبادرت به اظهارات خلافی می‌نماید خواهشمند است دستور فرمائید مشارالیه را ممنوع المنبر نموده و از نتیجه این سازمان را آگاه سازند.»

ممنوع المنبر بودن ایشان تا آستانه پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت.

همچنین استاد مطهری همزمان با تحصیل، در ایام تبلیغی به همراه سایر همراهان، اقدام به سفرهای تبلیغی می‌نمود و راهی مناطق مختلف می‌شد سفر به اراک، همدان، اصفهان و نجف آباد از آن جمله بود.

تأسیس حسینیه ارشاد

استاد مطهری در راستای فعالیت‌های فرهنگی خود، از سالها پیش در فکر تأسیس یک مرکز دینی، علمی، فرهنگی و تحقیقی برای آموزش معارف اسلامی و انتقال تعالیم دینی به نسل جوان و عموم مردم بود. این ایده تا حد زیادی با تأسیس حسینیه ارشاد در سال 1346 محقق شد.

استاد که خود در تأسیس حسینیه ارشاد نقش مهمی داشت و از اعضای هیأت مدیره آن بود، امیدوار بود که این مرکز بتواند در شناساندن اسلام و ایدئولوژی اسلام و تعالیم دینی، توفیق مطلوبی به دست آورد، از این رو با عشق و علاقه زیاد، قسمتی از وقت خود را صرف اداره آن نمود، ایشان در شرائطی «حسینیه ارشاد» را مرکز نشر و ترویج دین، عقاید اسلامی و معارف دینی در طول سال نمود که «حسینیه‌ها» تداعی گر روضه خوانی و عزاداری سالار شهیدان، آنهم به صورت ناقص در ماههای محرم و صفر بود. وی علاوه بر برگزاری مجالس عزاداری سالار شهیدان به شکل صحیح و منطقی، حسینیه را مرکز تفکر و خردمندی کرد و بنیان فکری و فرهنگی جامعه را در راستای اهداف شهادت امام حسین(ع) قرار داد و با فعالیت‌های خود در این مرکز ثابت کرد که حسینیه نه تنها مکان عزاداری، بلکه پایگاه بزرگ اندیشه اسلامی است.

استاد مطهری در زمینه دعوت دانشمندان اسلامی برای همکاری علمی با حسینیه نقش بسیار مؤثری داشت، خود نیز سخنرانی‌های متعددی در آنجا ایراد می‌نمود که سه عنوان از آنها عبارت است از: تحریفات در واقعه تاریخی عاشورا، حماسه حسینیه، جاذبه و دافعه علی(ع).

متأسفانه علیرغم تلاشها و فعالیت‌هایی که استاد مطهری در حسینیه ارشاد انجام داد و سعی نمود، این مرکز را از افراط و تفریط دور نگه‌دارد ولی به دلیل کارشکنیها و خود سری‌های مدیر داخلی حسینیه ارشاد و بی‌اعتنایی به استاد مطهری در انتخاب سخنران، انتخاب مجلس، جلسات گوناگون و چاپ و نشر، استاد مطهری، به ناچار در سال 1349 از فعالیت در حسینیه کناره‌گیری کرد.

وی در بیان علت کناره‌گیری خود چنین می‌گوید: «خوب نمی‌شود که ما یک مؤسسه را به وجود آورده‌ایم، مردم اینجا را متعلق به ما می‌دانند، ما ندانیم اینجا کی سخنرانی می‌کند یا مثلاً چه موقع کتابش می‌خواهد چاپ بشود یا چه مطالبی گفته می‌شود.»

یکی دیگر از فعالیت‌های تبلیغی آیت الله مطهری، در مسجدالجواد تهران بود که در سالهای 1349، 1350 و 1351 عهده دار مسؤولیت آن بود و در بیشتر موارد سخنران اصلی مسجد بود و موضوعات آن بیشتر جنبه قرآنی داشت.

مطالبی که در این نوشتار درباره شخصیت علمی و فرهنگی آیت الله مطهری بیان شد، همه نشانگر عشق و علاقه فراوان به امور علمی، فرهنگی، تبلیغی و تألیف کتاب است. تداوم این برنامه آرزویی بود که استاد پس از پیروزی انقلاب داشت.

شهید آیت الله مفتاح نقل می‌کند: در سال گذشته در اوج مبارزات به من می‌فرمود: «به خدا اگر امام و رهبر ما پیروز بشود، هیچ پستی من نمی‌خواهم، هیچ مقامی نمی‌خواهم، برای همین زندگی که الآن دارم، کتابخانه‌ام برای من بهترین لذت است، من همین را می‌خواهم که بنشینم و کتاب بنویسم، بنشینم و تحقیق کنم، بنشینم از اسلام عزیز دفاع کنم، این هدف من است.» (19)

پی‌نوشت‌ها:

20. پاره‌ای از خورشید، ص 359 - 360 به نقل از دکتر حسین غفاری.

21. مصلح بیدار، ج 2، ص 408.

22. همان، ج 1، ص 275.

23. پاره‌ای از خورشید، ص 51.

24. خدمات متقابل ایران و اسلام، ص 614.

25. عدل الهی، ص 111 - 113.

26. همان، ص 250.

27. ویژه نامه استاد مطهری، حزب جمهوری اسلامی، به نقل از حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، ص 203.

28. علل گرایش به مادیگری، ص 11 - 12.

29. مصلح بیدار، ج 2، ص 277 - 278.
30. سیری در نهج البلاغه، مقدمه کتاب.
31. مصلح بیدار، ج 1، ص 54 - 55، مصاحبه با سید محمد باقر حجتی به نقل از مجله جهاد، 18/2/1361.
32. روزنامه اطلاعات، 12/2/1360.
33. پاره از خورشید، ص 86 - 87.
34. نامه‌ها و ناگفته‌ها، ص 17.
35. عدل الهی، مقدمه کتاب.
36. صحیفه امام، ج 16، ص 242.
37. یادنامه اولین کنگره بررسی شناخت ابعاد فرهنگی، علمی استاد شهید مطهری، ص 19.
38. روزنامه جمهوری اسلامی، 2/1359.
- به نقل از ویژه نامه جمهوری اسلامی مورخه 12 اردیبهشت 83.